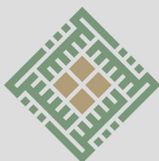


اُمتی که هرگز نمی‌میرد

مژده‌هایی در زمان سرخوردگی

ویراست یکم



نویسنده: دکتر راغب سرجانی

ترجمه: واحد ترجمه بینش


بسم الله الرحمن الرحيم

امتی که هرگز نمی‌میرد

«مژده‌هایی در زمان سرخوردگی»

نویسنده: دکتر راغب السرجانی

ترجمه: واحد ترجمه‌ی بینش

فهرست مطالب

مقدمه

إن الحمدلله نحمده ونستعين به ونستغفره ونستهديه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، إنه من يهدي الله فلا مضل له ومن يضلل فلاهادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لاشريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. أما بعد:

کسی که نگاهی گذرا به کشورهای اسلامی داشته باشد، در می‌یابد مسلمانان با دیدن وقایع جهانِ اسلام دچار نوعی سرخوردگی شده و امیدی بر استواری مجدد جهانِ اسلام ندارند. بسیاری از مسلمانان تصور می‌کنند رهبری مسلمانان بر جهان اسلام یک رخداد تاریخی بوده که دورانش به اتمام رسیده و آینده از آن شرق یا غرب خواهد بود، و حتما – یا غالباً– سهم مسلمانان نخواهد شد. خوش‌بین‌ترین این افراد می‌پندارند اگر اسلام به دوران مجد و شکوه و عظمت و رهبریت جهان بازگردد، قطعاً پس از دورانی طولانی خواهد بود که ما، فرزندان و نوه‌هایمان آن را نخواهیم دید.

در این فضای مملو از یأس و ناامیدی، محال است که مسلمانان به قضیه‌ی فلسطین، چچن، کشمیر، عراق، افغانستان، و غیره حتی فکر کنند، چه رسد به این که در فکر چاره‌ای برای آن باشند!!، لذا در این کتاب

خواهیم کوشـــید به بیان مهم‌ترین ابزار در برپایی مجدد این امت بپردازیم که همان کاشـتن امید در دل مســلمانان، و زدودن احســاس سرخوردگی اســـت که در درون بســـیاری از افراد امت و به ویژه جوانان رخنه کرده است.

این کتاب را به دو بخش اصلی تقسیم کردم:

بخش اول: «چرا مســـلمانان عقب ماندند؟». در این بخش به اســـباب عقب ماندگی مسلمانان خواهم پرداخت.

بخش دوم: «امتی که هرگز نمی‌میرد» . در آن به ده حقیقت مهم اشـــاره خواهم کرد، که همه دال بر پویایی امت اســلامی و نشان از این است که: این امت نخواهد مرد!

این کتاب در مجموع، فراخوانی است برای:

امیدوار شدن....

امید به خیزشی جدید....

امید به رهبری و تمکین ...

امید به پیروزی و صدارت...

امید به بازیابی مکانت و جایگاهی که خداوند برایش اراده نموده، و این برای خداوند دشوار نیست...

از خداوند می‌خواهم این کتاب را در ترازوی اعمال من و همه‌ی شـــما قرار دهد...

فصل اول: چرا مسلمانان عقب ماندند؟

چرا مسلمانان عقب ماندند؟

جای بسی تعجب و شگفت است؛ امتی با داشتن کتابی چون قرآن، و احادیث رسول الله ﷺ عقب مانده شود!! جای بسی تعجب است؛ ملتی احساس ناامیدی و سرخوردگی کند و تاریخی مانند تاریخ مسلمانان، و مردانی مانند قهرمانان مسلمانان داشته باشد!!.

با آن‌همه پتانسیل و گنجینه‌های امت اسلامی، جای بسی شگفت است که این امت دچار یأس و ناامیدی شود، در حالی که خدایش در قرآن می‌فرماید:

﴿قَالَ وَمَن يَقۡنَطُ مِن رَّحۡمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ ٥٦﴾ [الحجر/٥٦]: « **و جز گمراهان چه کسانی از رحمت پروردگارشان نا امید می‌شوند؟**»

اما این حقیقتی عینی و انکار ناشدنی است. در واقع نا امیدی، بر باد رفتن آرزوها، گم کردن هدف، و ... همه‌ی این‌ها فجایع دردناکی است که بر مسلمانان وارد شده و مصیبت گرانی است که با وجود آن نمی‌توان انتظار نجات دادشت.

آن که نامیدی را در دل‌های برخی از مسلمانان کاشته و آنان را ذلیل و سرشکسته و سرخورده نموده، می‌خواهد درست در زمانی که نیاز به خیزش دارد سر به ذلت نهد و هنگامی که نیازمند قیام است سر به کُرنش بگذارد.

اینجاست که باید درنگ و کندوکاوی در این رابطه داشته باشیم:

چرا به این حالت رسیده‌ایم؟!!

چگونه می‌توانیم شکوه پیشین را بازیابیم و دوباره در صدر امت‌ها قرار بگیریم؟

اما اینکه چرا به این حال و روز درآمده‌ایم، به عوامل متعددی بر می‌گردد، که می‌توانیم آن را به دو دسته تقسیم کنیم:

اول: آنچه خود مسلمانان با کوتاهی در دین و دوری از منهج الله و دست‌کم گرفتن دشمنان الله – و گاهی همپیمان شدن با آن‌ها- سبب شدند.

دوم: توطئه‌های بسیار ناپسندی که ریسمان آن طی سال‌های متمادی به‌هم بافته شده و دشمنان مختلف اسلام در بافتن آن نقش داشته‌اند.

اولاً: واقعیتی که مسلمان در آن زندگی می‌کنند

۱ – شکست‌های پیاپی مسلمانان؛ با سقوط خلافت عثمانی، سقوط فلسطین و اعلام قیام رژیم اشغالگر صهیونیستی در سال ۱۹٤۸ میلادی، شکست تلخ سال ۱۹٥٦ – که «ایزنهاور» رئیس جمهور وقت آمریکا سبب شد مسلمانان تصور کنند این شکست یک پیروزی است وبرای آن جشن بگیرند–، نکبت سال ۱۹٦۷ میلادی و نابود شدن ارتش‌های مصر و سوریه و نابود شدن همه‌ی فرودگاه‌ها – حتی فرودگاه‌های داخل المنیا، الأقصر، الغردقه، و ابوصویر– در شکستی مفتضحانه. تا پیروزی اکتبر ۱۹۷۳ که یک پیروزی حقیق بود که متأسفانه به خاطر درز تلخی که در آن وجود داشت به آتش بس انجامید و خسارت زودهنگام همه‌ی دستاوردهایی که کسب نموده بود.

۲ – خیانت‌های مختلف در سراسر جهان اسلام؛ که مسلمانان با آن روبرو هستند و منجر به تباه شدن کشورهای اسلامی و مسلمانان و فقدان الگوی زمامداری و ایجاد بی‌اعتمادی به هر زمامداری شده است.

۳– اباحه‌گری؛ (بی‌اعتنایی عملی به محرمات و منهیات و منکرات) که مسلمانان در رسانه‌های دولتی و غیردولتی با آن روبرو هستند، و صحنه‌های مبتذل مملو از بزهکاری و بی‌بند و باری و افتخار کردن به آنچه عامل هلاکت انسان است و بی‌توجهی به احساسات امتی که قرن‌ها همه‌ی قوانین، آداب و اعراف اسلامی را پاس می‌داشته است.

٤- ســـرقت و کلاهبرداری، رشـــوه و فســـاده، فرار میلیاردها دلار از دارایی‌های مســـلمانان؛ در حالی که بســـیاری از آن‌ها از گرســـنگی جان می‌دهند.

٥- فروپاشـی اقتصاد و قرض‌های متراکم شده و ورشکستگی‌های اعلام شـده، و سـیطره‌ی دهشـتناک اقتصـاد بیگانگان در کشورهای اسلامی، و شکاف بسیار عمیق میان توانگران بسیار اندک و مستمندانی که در اکثریت هستند.

٦ - اختلاف و چنددســته‌گی و درگیری میان مســلمانان؛ تا جایی که نه تنها دو کشــور همســایه‌ی غیر مســلمان بر سر مرزها و عقاید و باورهای متفاوت، بلکه مسلمانان دارای عقاید مشترک به جان هم هم می‌افتند.

این واقعیت‌ها در درون بعضـــی از مســـلمانان – یا اکثر آن‌ها – نوعی سرخوردگی و یأس و نا امیدی ایجاد می‌کند، و به دنبال آن تصور می‌کنند برخواستن از نو و بازگرداندن مجد پیشین محال است.

دوم: توطئه‌های فکری علیه اسلام

توطئه علیه اسلام ریشه در اعصار گذشته داشته و بسیار قدیمی است و دارای ابعاد مختلفی بوده که شاید مجال نباشد در این مختصر، به همه‌ی ابعاد آن اشاره کنیم، اما آنچه برای ما شایان ذکر است، بُعد فکری این توطئه است.

گروه‌های مختلفی که با اسلام دشمنی و ستیز دارند، همواره در تلاشند امت اسلامی را از اندیشه‌های درست دور نموده تا میزان درستی برای سنجش امور نداشته باشد. یکی از مهم‌ترین اهداف روش و مشخص شده‌ی آن‌ها در این توطئه، مأیوس کردن و نا امید کردن مسلمانان و قانع کردن آنان به محال بودن بازگشت به عظمت و شکوه پیشین است.

اما در آغاز، این توطئه‌گران علیه اسلام چه کسانی هستند؟

گروه‌های زیادی در این توطئه دست به دست هم داده‌اند، از جمله:

۱ – **خاورشناسان**: گروهی از علمای اروپایی هستند که دل‌های بیشترشان مملو از حقد و کینه نسبت به اسلام است و چشم‌هایشان را حسد کور نموده؛ لذا به آموختن اسلام و تاریخ و چهره‌ها و منهج آن می‌پرازند، نه اینکه از رهنمودهای آن بهره‌مند شوند، بلکه برای طعنه وارد کردن بر آن و منحرف کردن مسلمانان از منهج خویش. کتاب‌های این افراد به‌سرعت منتشر شد و اندیشه‌هایشان عمومی گردید، و تحلیل‌هایشان در هر مجلسی نقل زبان‌ها شد و خاری در گلوی مسلمانان شدند.

۲- **غرب شـناسـان**: به پیروی از خاورشناسان، عدّه‌ای از مسلمانان که شـیفته‌ی شـکوه و تمدن غرب شـده بودند، مورد حمایت غربی‌ها قرار گرفته و تحت نظر آن‌ها آموزش دیده و شستشوی عقلی داده شدند، آنها پس از بازگشـت به کشورهای خود تلاش می‌کنند احساس سرخوردگی را در میان هم‌میهنانشـان تقویت نموده و آن‌ها را در دین دچار شـبهه و تردیـد کنند و به آن‌ها بفهمانند که تنها راه عزت و سـربلندی پیروی از غرب اسـت، تـا جـایی که برخی از آن‌ها می‌گفتند: تنها راه پیشـرفت کشورهای ما این است که هر آنچه در پاریس و لندن وجود دارد، شیرین و تلخش، خوب و بدش، زیبا و زشـتش، همه را به کشـورهایمان منتقل کنیم!!... یکی دیگر از این افراد- که تحصـیل کرده‌ی دانشـگاه الازهر و حافظ قرآن هم بود- برای تحصـیل به فرانسه رفت، و پس از تحصیل به کشـورش بازگشـت و از شـاگردانش می‌خواست قرآن را نجات دهند و می‌گفت: «این آیه صـحیح اسـت»، و «این آیه صـحیح نیسـت و ضعیف است!»

﴿كَبُرَتۡ كَلِمَةٗ تَخۡرُجُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡۚ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبٗا ٥﴾ [الکهف/۵].

ترجمـه: «سـخن بزرگی از دهانشـان بیرون می‌شـود ! آنان جز دروغ نمی‌گویند».

او بـه شـاگردانش می‌گفـت: اینکـه خـداونـد در قرآن از «ابراهیم» و «اسـمـاعیل» یاد کرده، معنایش این نیسـت که این افراد وجود حقیقی داشتند!! ... ما باید دلیل حسی بر وجود این افراد داشته باشیم... و به آن‌ها می‌گفـت: آیـات مـدنی پخته‌تر از آیات مکی هسـتند، و این پخته بودن بخاطره تراکم تجربه است:

﴿سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ ١٠٠﴾ [الأنعام/١٠٠]. ترجمه: «**خداوند منزه و برتر است از آنچه توصیف می کنند**».

و کتاب‌هایی در رابطه با صحابه- بویژه در مورد دوران فتنه- می‌نوشت تا بی‌شرمانه آن‌ها را مورد طعن قرار دهد، این فرد بعدها وزیر آموزش شد! تا اینکه آموزگار میلیون‌ها دانش آموز مسلمان باشد!

اینگونه بود که این شیخ الازهری پرچمدار سکولاریسم و خودباختگی شد، درحالیکه الازهر از امثال این اشخاص بیزار است.

٣ – **مستعمران**: از جمله کسانی که در این توطئه دست داشتند مستعمران بودند که ده‌ها سال در سرزمین‌های اسلامی حاکم بوده و انواع عذاب‌ها و شکنجه‌ها و آزارها را در مصر، فلسطین،سوریه، لبنان، لیبی، الجزایر، تونس، مراکش، یمن، سودان، عراق، کویت و همه‌ی ممالک اسلامی به مسلمانان تحمیل کردند.

٤- **برخی از حکام**: برخی از حکام مسلمان نیز در این توطئه سهیم بوده و به ملت‌های خود فهماندند که توان رویارویی با جالوت و سربازانش را ندارند.. و نمی‌توانند با قدرت‌های برتر دنیا روبرو شوند. و اگر تابع و فرمانبردار او نباشند به ناچار تابع و فرمانبردار آن‌ها خواهند شد و اختلاف میان ما و آن‌ها نه سال‌ها بلکه قرن‌ها است.

٥- **مسلمانان منفی‌گرا**: بخش بزرگی از مسلمانان حق را می‌دانند، اما برای آن تلاشی نمی‌کنند و چه بسا خوبی‌ها را بدانند، اما به آن امر نمی‌کنند و بدی‌ها را می‌بینند اما از آن نهی نمی‌کنند. آن‌ها یا دنبال راه حلی از آسمان هستند یا از دیگران در زمین، این افراد هیچ برنامه و هدفی ندارند جز خرده‌گیری بر دیگران و انتقاد از کسانی که پرچم این دین را با خود حمل می‌کنند.

این گروه‌ها چه کرده‌اند؟

۱ – **تزویر تاریخ**: از زشت‌ترین و زننده‌ترین جنایت‌های این گروه‌ها تزویر و تحریف تاریخ است، در این مختصر مجال پردازش به تفاصیل آن نیست.. اما این افراد دروغ گفتند و تزویر کردند و به روایت‌های ضعیف و ساختگی چنگ زده و از روایت‌های صحیح روی‌گردان شدند، و در تاریخ اسلام به دنبال مصایب و مشکلات گشتند – و تاریخ هیچ امتی عاری از مشکلات نیست– و مجد و شکوه و عزّت امت را نادیده گرفتند. بر جوانب سیاسی با مشکلاتی که دارد تمرکز کردند و بر جوانب اخلاقی، علمی، معماری، نظامی، اقتصادی، فکری، ادبی و دیگر جوانب تمدن اسلامی نگاهی نیفکندند.

عامدانه بدترین برداشت‌ها را از رویدادها کردند و از عمد چهره‌های خوش‌نام و نامدار را بدنام کردند، و تاریخی تحریف شده و زشت از اسلام ارائه کردند که مایه‌ی شرم اکثریت مسلمانان می‌شود، آن‌ها می‌پندارند مادامی که پیشگامان امت چنین بودند چه انتظار خیری از آیندگان می‌توان داشت؟!...

آری... این خود جنایتی بس بزرگ و نابخشودنی بود.

۲ – **تحریف وقایع**: آن‌ها همانگونه که تاریخ درخشان مسلمانان را تحریف کردند، واقع و حال آن‌ها را نیز تحریف کردند.. مربیان و فعالان رسانه‌ای غرب گرا در این قضیه دست به‌دست هم داده و بذر ناامیدی را در دل‌های مسلمانان کاشتند، و رسانه‌های غربی نیز آن‌ها را در این رابطه همراهی و همیاری کردند، آری... اینگونه بود که اسلام را مترادف تروریسم دانستند، و حجاب شرعی را نماد جمود، و اجرای شریعت الهی به‌معنای واپس‌گرایی.اگر مسلمانی در غرب مرتکب جنایتی شود

می‌گویند: «مسـلمانی جنایت کرد»، اگر در کشـورهای اسـلامی مسلمانی مرتکـب جنایت شـــد، ویژگی‌های التزام و پایبندی او به اســـلام را یاد می‌کنند. اما اگر یک مسیحی مرتکب جرمی شود او را به نامش می‌خوانند نـه به دینش! آنگونه که در حادثه‌ی انفجار اوکلاهومای آمریکا در ســـال ١٩٩٥ میلادی رخ داد؛ در آغـاز گفتنـد: «مســـلمانان مرتکب این جنایت شـدند» اما وقتی مشـخص شـد عامل این اقدام تروریسـتی یک مسیحی بوده، گفتند: «مکفای این کار را انجام داده اســت» و او را به اســمش یاد کردند نه به دینش!!

اگر مسلمانی مرتکب اشتباهی شود می‌گویند: «مسلمانی اشتباه کرد»، اما اگر مســـلمـانی پیشـــرفت کرد و بعنوان نابغه‌ای در علمی مطرح شـــد می‌گویند: «مصـری نابغه، سـوری نابغه، پاکستانی نابغه» و او را به نژاد و کشورش یاد می‌کنند و آه از تصویر مسلمانان دیندار وپایبند در رسانه‌ها!!.

بسـیار دیده می‌شود که شیخ و عالم و عاقد مسلمان را در شکل فکاهی و طنز آمیز نشــان می‌دهند.. ونیز مســلمانان را در فیلم‌هایی که اســلامی می‌نامند در حالت عجیب و غریبی نشـــان می‌دهند.. افرادی که گویا هیچ چیزی به چشـــم ندیده‌اند و چشـــمانشـــان به آســـمان دوخته و همانند دیوانگان می‌خندند، چنین فردی که به تصـویر می‌کشند باید واپس‌گرا و عقب مانده باشد...

گاهی اوقات افراد دیندار را نشـــان می‌دهند که ســـخن‌گفتن به لهجه‌ی عامیانه را رها کرده و با زبان عربی فصـــیح ســـخن می‌گوید، و ای کاش همان عربی فصیحی بود که قرآن با آن نازل شده و بهترین انسان‌ها محمد مصطفی ﷺ به آن سخن می‌گفتند، اما آن‌ها افرادی را می‌آورند که با عربی فصـیح شـکسـته و بی قاعده صحبت می‌کنند و دیگران متوجه سخنشان

نمی‌شوند و با تعجب به آن‌ها می‌نگرند... سبحان الله! با وجود اینکه زبان عربی از زیباترین- و بلکه زیباترین- زبان‌های جهان است.

۳ – **تعظیم و بزرگ‌نمایی غرب**: پس از اینکه الگوهای اسـلامی تاریخ را بـدنام و واقایع را نیز تحریف کردند، به تمجید و تعظیم و بزرگ‌نمایی غرب می‌پردازنـد تـا اینکـه هیچ گزینـه‌ای جز پیروی ذلیلانـه و تقلیـد کورکورانه از آن‌ها نداشته باشی.. به بزرگ‌نمایی اسلحه‌ی غرب، مدنیت ، اخلاق، عقل و خرد، ادب غرب، هنر، بلکه زبان غربی می‌پرازند.. تا جایی که مسلمانان را به فتنه انداختند، و انسان مسلمان بیش از تلاشی که برای آموزش زبان عربی به فرزندانش داشـته باشـد، می‌کوشـد به آن‌ها زبان انگلیسی آموزش دهد.

بنـده با آموزش زبان خارجی به عنوان «زبان دوم» مخالف نیسـتم، اما به‌شـرطی که «زبان دوم» باشـد! نه اینکه همه‌ی دروس علوم، ریاضـی، جغرافی، تاریخ و ... را به‌زبان‌های انگلیسـی، فرنسوی، آلمانی و هر زبان دیگری جز زبان عربی آموزش دهیم!... آیا چنین منطقی پذیرفته شـدنی است؟

هر کشـوری که به‌دنبال صـدارت و رهبریت اسـت، تلاش می‌کند زبان خود را تقویت نموده و آن را بر دیگر زبان‌ها ترجیح دهد... اگر در فرانسه شـما شخصی را به‌انگلیسی خطاب کنید به درستی پاسخ شما را نمی‌دهد چون به زبان خود افتخار می‌کند... در آلمان نیز اینگونه اسـت و اگر شما بخواهید در آنجا زندگی کنید بایستی زبان آلمانی را فراگرفته باشید..برای یافتن برخی تصـاویر مرتبطه به تاریخ مسـلمانان اندلس به مرکز فرهنگی اسـپانیا رفتم، به‌خدا سوگند هیچ کتابی به‌زبان انگلیسی نیافتم تا چه برسد به عربی..همه‌ی کتاب‌ها فقط به‌زبان اسـپانیولی بود!! زمانی که گفتم: افراد اندکی در مصـر به زبان اسـپانیولی آشـنایی دارند، و بهتر است کتاب‌های

ترجمه شــده را بیاورند تا برایمان قابل فهم باشــد، گفتند: کســی که می‌خواهد از ما بداند باید زبان ما را یاد بگیرد!! آری... اینگونه به‌زبان خود افتخار می‌کنند!!.

جنایت بزرگ‌نمایی غرب، آرمان‌گرایی جوانانِ مســلمان را در نطفه خفه نموده و منجر به ســستی و بی‌انگیزگی و بی‌همتی آن‌ها شده، تا جایی که تنها امید یک جوان مسلمان در زندگی این است که میهنش را رها نموده و به کشــورهای اروپایی و آمریکایی مهاجرت کند تا در آن بهشت زمینی که می‌پندارد زندگی کند!!.

و این بود نتیجه‌ی این جنایت‌ها و توطئه‌هایی که منجر به ســرخوردگی بســیاری از مســلمانان شده و آن‌ها را تسلیم واقعیت نموده و به این نکته باور پیدا کرده که در برابر غربی‌ها عقب‌مانده هســتند... ولا حول ولا قوة إلا بالله.

فصل دوم: امتی که هرگز نمی‌میرد

بـا وجود دردنـاک بودن واقعیت، و حجم گســـترده‌ی توطئه و قباحت نیرنـگ‌هـا؛ بـاز هم با تعجب می‌گویم: چطور امکان دارد امتی که قرآن و سنت را در دست دارد سرخورده و نامید شود؟

قرآن کریم و ســـنت نبوی در بر دارنده‌ی ده‌ها – و بلکه صـــدها- مژده هســـتند که خبر از بازگشـــت عزت و مجد این امت و در صـــدر بودنش می‌دهد. این قضـیه را کسـی منکر نمی‌شود، مگر آنکه طبعیت این دین و امت را نشناخته است. تنها چیزی که ما می‌خواهیم بازگشت مسلمانان به دین و گرفتن آن از منابع صحیح و درست است، نه منابع خاورشناسان و غرب‌زده‌ها. آن‌ها باید به ســخنان پروردگار و پیامبرشــان و کســانی که از دینداری آن‌ها مطمئن هســـتند گوش دهند و اســـلام و اخلاق خود را از آنان بیاموزند نه از دعوتگران سکولار بی‌قید و بند.

برای شما ده حقیقت مژده دهنده را برگزیده‌ام و کسی که خواهان بیشتر اســـت، می‌تواند به قرآن و ســـنت مراجعه کند که عجایبشــان پایان ناپذیر بوده و گنجینه‌هایشان تمام ناشدنی است!!

﴿صُنۡعَ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ أَتۡقَنَ كُلَّ شَيۡءٍۚ﴾ [النمل/۸۸]

حقیقت نخست: سنت تداول یا گردش دوران

افرادی که نا امید شده‌اند و از سنت‌های خداوند بر روی زمین بی‌اطلاع هستند؛ خداوند روزگار را میان مردم می‌گرداند:

﴿إِن يَمۡسَسۡكُمۡ قَرۡحٞ فَقَدۡ مَسَّ ٱلۡقَوۡمَ قَرۡحٞ مِّثۡلُهُۥۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيۡنَ ٱلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَتَّخِذَ مِنكُمۡ شُهَدَآءَۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٤٠﴾ [آل عمران: ١٤٠] **اگر (در روز احد) به شما زخم و آسیبی رسید؛ به راستی به آن گروه (کافر نیز در روز بدر) زخم و آسیبی همانند آن رسید. و ما این روزها (ی شکست و پیروزی) را در میان مردم می‌گردانیم .**

همانگونه که مسلمانان امروز آسیب دیده‌اند، دیگران نیز در دوره‌هایی آسیب دیده‌اند که امت اسلامی در عافیت بود. همه‌ی امت‌ها در دوره‌ای زمامداری می‌کنند و در دوره‌ای وابسته‌ی دیگران می‌شوند.. همه‌ی امت‌ها در دوره‌ای رهبریت می‌کنند و در دوره‌ای دیگر تابع رهبریت دیگران می‌شوند.. بلکه همه‌ی امت‌ها گاهی زنده هستند و گاهی می‌میرند و آثارشان از بین می‌رود مگر یک امت، که چه بسا در دوره‌ای وابسته به دیگران شود اما هرگز نمی‌میرد... و آن‌هم امت اسلام است.

کجاست تمدن روم؟!!

چیزی از آن جز تعدادی ساختمان نمانده.

کجاست تمدن یونان باستان؟

از آن جز فلسفه‌ای بیهوده و معبدهایی پر از بت بر جای نمانده.

کجاست تمدن ساسانیان؟

هیچ میراثی از خود بر جای نگذاشت..

کجاست تمدن فرعون‌ها؟

مانند سرزمین عاد و ثمود و دیگران از آن جز جماداتی نمانده است.

کجایند خود فرعون‌ها؟ یا در دل خاک و یا در دل دریا.. و سربازان فرعون منتظر قیامت هستند.

کجا هستند مغول‌ها و لشکرهایشان؟

هیچ اثری از آن نماند.

کجاست امپراطوری بریتانیا که بر هر جایی که خورشید می‌تابید حکم‌رانی می‌کرد؟!!

امروز وابسته و ذلیل است..

کجاست امپراطوری تزارهای روسیه و حکومت جماهیر شوروی؟!

به‌زشتی سقوط کرد..

دیگران نیز در دوره‌هایی قدرت‌نمایی می‌کنند و سپس ساقط می‌شوند، ستاره‌ی آنها مدتی می‌تابد و در نهایت افول می‌کند:

﴿فَمَا بَكَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَا كَانُواْ مُنظَرِينَ ٢٩﴾ [الدخان/۲۹].

پس آسمان وزمین بر آنها نگریست, و(به آنها) مهلت داده نشد.

پس جای تعجب و شگفتی نیست؛ اگر ببینی امت‌هایی ستمگر در دوره‌ای از تاریخ قدرت‌نمایی کرده و مغرور شدند.. این قدرت‌ها در دوره‌ی ارتفاع و بالا رفتن هستند، اما به‌طور قطع و یقین از سنت خداوند در مخلوقاتش خارج نمی‌شوند و فرجامشان زوال است..و سنت خداوند تغییر نایافتنی است.

حقیقت دوم: امت اسلام، امت باقی است

اگر سنت خداوند این است که همه‌ی امت‌ها می‌میرند و ناپدید می‌شوند، اما در رابطه با امت اسلام طبیعتی متفاوت دارد، این امت هیچ‌گاه سقوط نکرده مگر اینکه بعد از آن قیام نموده و بر پا ایستاده است، اگر در دوره‌ای ضعیف شده، پس از آن ضعف قوی گشته و اگر گاهی ذلیل شد، بعد از آن ذلت به عزت رسیده است.

چرا؟!..... زیرا امت اسلام شاهد بر دیگر امت‌ها است:

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَٰكُمۡ أُمَّةٗ وَسَطٗا لِّتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيۡكُمۡ شَهِيدٗاۗ﴾ [بقره/۱٤۳] **و همچنین شما را امت میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید، و پیامبر هم بر شما گواه باشد.**

حتی برای اثبات وجود امت‌های کهن- قبل از اسلام- به آنچه در قرآن آمده استناد می‌کنیم و در رابطه با امت‌های کنونی آنچه با چشم خود دیده‌ایم و با منهج و روش خود قضاوت می‌کنیم و تا روز قیامت گواهی بر همه‌ی امت‌ها هستیم. و تا زمانی که زندگی جریان دارد ما هستیم، و دیگران از بین می‌روند.

طبیعت ملت اسلامی این است که پیامی جاویدان و آخرین سخن پروردگار با مخلوقات را با خود به همراه دارد، هیچ پیامبری بعد از پیامبر ماﷺ و هیچ پیامی بعد از پیام اسلام وجود ندارد، لذا طبیعی است که خداوند از مسلمانان به‌خاطر زمینیان محافظت کند.

این امت، تنها امتی است که بدون چشم‌داشت به مُزد دنیوی دغدغه‌ی آموزش دیگران دارد، و بلکه معلم‌های مسلمان از مال خود برای آموزش دیگران هزینه می‌کنند و از وقت خود برای این مهم می‌گذرند. کدام امت جز امت اسلام چنین می‌کند؟ آیا برخی ملت‌ها بر یکدیگر نمی‌تاختند تا ثروت‌هایشان را غارت نموده و خودشان را از دم تیغ بگذرانند؟ اما مسلمانان جان‌های خود را فدا می‌کنند تا مردم را از دوزخ کفر و گمراهی نجات داده و آن‌ها را به‌سوی بهشت ایمان و هدایت راهنمایی کنند. آیا ربعی بن عامر ﷺ سخنی ماندگار از خود بر جای نگذاشت که تا امروزه بر زبان امت‌های متمدن – غیر از امت اسلامی- جاری است؟ سخنی که در آن پیام اسلام به‌طور مختصر و آشکار بیان شده بود: «خداوند ما را فرستاده تا بندگان را از عبودیت بندگان به‌سوی بندگی خدای بندگان و از ستم ادیان به عدالت اسلام و از تنگی دنیا به فراخی دنیا و آخرت رهنمون سازیم».... آری اینگونه... ما هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهیم.

این طبیعت امت اسلامی است... بقای آن به صلاح زمین و نبود آن مایه‌ی فنای زمین است

﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِۗ﴾ [آل عمران/۱۰۳]. **شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: امر به معروف می‌کنید و نهی از منکر می‌نمائید، و به خدا ایمان دارید.**

اگر امت اسلامی این ویژگی‌ها را دارد پس چه جای ناامیدی و سرخوردگی است؟

حقیقت سوم: حقیقت نبرد

خداوند می‌فرماید:

﴿وَيَمۡكُرُونَ وَيَمۡكُرُ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ ٣٠﴾ [الأنفال/٣٠] **آنها چاره مکر می‌اندیشیدند, وخدا (هم) تدبیر می‌کرد, و خداوند بهترین (چاره جویان و) تدبیر کنندگان است.**

چه آیه‌ای بزرگ و شگفت انگیزی!

عزیزانم: همه‌ی جنایت‌ها، نیرنگ‌ها، توطئه‌ها، تزویرها، تحریف‌ها، خیانت‌ها، خودفروشی‌ها، نفاق‌ها، و دروغ‌ها زیر کلمه‌ی « یمکرون/ چاره و مکر می‌اندیشند» قرار می‌گیرد، اما آن‌سوی دیگر را ببینند که خداوند می‌فرماید: «**وخدا (هم) تدبیر می‌کرد، وخداوند بهترین (چاره جویان و) تدبیر کنندگان است**».

﴿وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦ وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٧﴾ [الزمر/٦٧]

و آنها (- مشرکان) خدا را چنانکه سزاوار بزرگی اوست نشناختند در حالی که روز قیامت تمام زمین در مشت اوست و آسمانها درهم پیچیده در دست راست اوست، او منزه و برتر است از آنچه شریک او می پندارند.

ای مسلمانان:

اگر امروزه دچار سرخوردگی شده‌اید به‌خاطر این است که حقیقت نبرد را درک نکرده و به همه‌ی ابعاد آن واقف نشده‌اید. اگر چه ظاهر این نبرد میان مسلمانان و کافران است، اما حقیقت به‌گونه‌ی دیگری است.این جنگ در واقع نبرد میان خدا و کسانی است که از راه او منحرف شده، به‌عبادتش کفر ورزیده، غیر او را به داوری گرفته و غیر کتاب او را شریعت پنداشته‌اند. جنگی است میان خدا و مخلوقاتی کوچک و ناچیز.. اما خداوند از در رحمت خویش بر مؤمنان، آن‌ها را سرباز و اولیای خود قرار داده است.

مؤمنان در نبرد با کافران به منهج و روشی که خداوند برایشان ترسیم نموده پایبند بوده، و تردید به دل نمی‌دهند و از میدان نمی‌گریزند، به وعده های الهی اطمینان داشته و مشتاق بهشت اویند و از دوزخش می‌هراسند، کارهایشان را برای او خالص نموده و به او تکیه کرده‌اند، اگر اینگونه باشند خداوند از آن‌ها دفاع می‌کند و یاری‌گر آن‌ها خواهد بود و ارتش‌هایشان را نصرت خواهد داد و اندیشه‌هایشان را منتشر نموده و از دشمنانشان انتقام خواهد گرفت.. مسلمانان عزیز به این فرموده‌های خداوند دقت کنید تا حقیقت نبرد را دریابید:

﴿فَلَمۡ تَقۡتُلُوهُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ قَتَلَهُمۡۚ وَمَا رَمَيۡتَ إِذۡ رَمَيۡتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ رَمَىٰ﴾ [الأنفال/ ۱۷] **پس شما آنها را نکشتید, بلکه خداوند آنها را کشت. و هنگامی که (به سوی آنها خاک وسنگ) انداختی، تو نینداختی، بلکه خدا انداخت.**

﴿إِنَّهُمۡ يَكِيدُونَ كَيۡدٗا ١٥ وَأَكِيدُ كَيۡدٗا ١٦﴾ [الطارق/ ۱۵ -۱٦] **بی‌گمان آنها پیوسته حیله و نیرنگ می‌کنند. ومن (هم) حیله (و تدبیر) می‌کنم.**

﴿وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا وَمَكَرۡنَا مَكۡرٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٥٠ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ مَكۡرِهِمۡ أَنَّا دَمَّرۡنَٰهُمۡ وَقَوۡمَهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٥١﴾ [النمل: ۵۰ – ۵۱] **و آنها حیله و نیرنگی به کار بردند و ما (نیز) حیله و تدبیری اندیشیدیم، در حالی که آنها نمی‌دانستند.پس بنگر عاقبت نیرنگشان چه شد؟! ما آنها و قومشان همگی را نابود کردیم.**

ای مسلمانانی که به اسلام خود می‌بالید:

آیا می‌دانید اَعمال خود را برای چه کسی انجام می‌دهید؟ و به چه رکنی پناه برده‌اید؟

شما اعمال خود را برای خدا انجام می‌دهید و به رکنی محکم و استوار پناه می‌برید که خداوند است!!

اگر توطئه کنندگان در تاریکی‌ها برنامه‌ریزی کردند و نقشه کشیدند، آیا آن‌ها از چشم خدا دور هستند؟!

﴿يَٰبُنَيَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٖ فَتَكُن فِي صَخۡرَةٍ أَوۡ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَأۡتِ بِهَا ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ ١٦﴾ [لقمان/ ۱٦] **ای پسرک من! اگر (عمل نیک یا بد) به اندازه سنگینی دانه‌ی خردل باشد، آنگاه در درون تخته سنگی یا در آسمانها یا در زمین باشد، خداوند آن را (در روز قیامت برای حساب) می‌آورد، بی گمان خداوند باریک بین آگاه است.**

اگر دشمنان موشک و تیری به‌سوی تو شلیک کردند، آیا بدون علم و اطلاع و آگاهی خداوند است؟ آیا برگ‌های درخت بدون اذن و اجازه‌ی

او فرو می‌ریزد تا چه برسد به موشک‌ها؟!... این آیات را بخوان و در معانی آن اندیشه کن:

﴿وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَۚ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۚ وَمَا تَسۡقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعۡلَمُهَا وَلَا حَبَّةٖ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡأَرۡضِ وَلَا رَطۡبٖ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ۝٥٩ وَهُوَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا جَرَحۡتُم بِٱلنَّهَارِ ثُمَّ يَبۡعَثُكُمۡ فِيهِ لِيُقۡضَىٰٓ أَجَلٞ مُّسَمّٗىۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ۝٦٠ وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۖ وَيُرۡسِلُ عَلَيۡكُمۡ حَفَظَةً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ تَوَفَّتۡهُ رُسُلُنَا وَهُمۡ لَا يُفَرِّطُونَ ۝٦١ ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّۚ أَلَا لَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَهُوَ أَسۡرَعُ ٱلۡحَٰسِبِينَ ۝٦٢ قُلۡ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ تَدۡعُونَهُۥ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةٗ لَّئِنۡ أَنجَىٰنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ۝٦٣ قُلِ ٱللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنۡهَا وَمِن كُلِّ كَرۡبٖ ثُمَّ أَنتُمۡ تُشۡرِكُونَ ۝٦٤ قُلۡ هُوَ ٱلۡقَادِرُ عَلَىٰٓ أَن يَبۡعَثَ عَلَيۡكُمۡ عَذَابٗا مِّن فَوۡقِكُمۡ أَوۡ مِن تَحۡتِ أَرۡجُلِكُمۡ أَوۡ يَلۡبِسَكُمۡ شِيَعٗا وَيُذِيقَ بَعۡضَكُم بَأۡسَ بَعۡضٍۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَفۡقَهُونَ ۝٦٥ وَكَذَّبَ بِهِۦ قَوۡمُكَ وَهُوَ ٱلۡحَقُّۚ قُل لَّسۡتُ عَلَيۡكُم بِوَكِيلٖ ۝٦٦﴾ [الأنعام: ٥٩ –٦٦] **و کلیدهای غیب نزد اوست؛ و جز او کسی آنها را نمی‌داند، آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند، و هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد؛ مگر اینکه آن را می‌داند، و نه هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و نه هیچ تر و خشکی (وجود دارد) مگر اینکه در کتابی آشکار (= لوح محفوظ ثبت) است. و او کسی است که (روح) شما را درشب (هنگام خواب) می‌گیرد و آنچه در روز کرده‌اید می‌داند، سپس شما را در آن (روز از خواب) بر می‌انگیزد تا موعد مقرر فرا رسد، سپس بازگشت شما به سوی اوست، آنگاه شما را از آنچه انجام می‌دادید؛ آگاه می‌سازد. و او بر بندگانش چیره است و نگهبانانی (از**

فرشــتگان) بر شــما می‌فرســتد تا زمانی که یکی از شــما را مرگ فرا رسد؛ فرســـتادگان ما (ملک الموت ودســـتیارانش) جانش را می گیرند، و آنها (در انجام مأموریت خود) کوتاهی نمی کنند. ســـپس به ســـوی خدا که مولای حقیقی آنهــاســـت باز می گردند، بدانید که حکم (و داوری) مخصـــوص اوســـت، و او زود شـــمار ترین حسابگران است. بگو: «چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا رهایی می‌بخشد؟! او را با تضرع و زاری و (در) پنهــانی می‌خوانید (و می گویید:) اگر ما را از این (خطرات و بلاها) رهایی بخشــد؛ مســلماً از شکر گزاران خواهیم بود». بگو:«خداوند شما را ازاینها و از هر اندوهی می‌رهاند، باز هم شما شرک می‌ورزید».بگو: «او قادر است بر آنکه عذابی از بالای (ســر) تان یا از زیر پایتان؛ بر شــما بفرستد، یا شما را بصـــورت گروه گروه (و پراکنــده) بــا هم بیــامیزد و (طعم) جنــگ (و دو دستگی) را به هر یک از شما بوسیله‌ی دیگری بچشاند». بنگر، چگونه آیات را گونــاگون بیــان می کنیم؛ تــا آنان دریابند. قوم تو آن(= قرآن) را تکذیب کردند در حالی که آن حق است. بگو: «من بر شما نگهبان نیستم».

حقیقت چهارم: حقیقت بشارت‌های قرآن و سنت

ای مسلمانانی که به خدای خود افتخار می‌کنید:
خدای مهربان و مهرورز و کریم و دوست‌دارِ شما در قرآن می‌فرماید:
﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيۡنَا نَصۡرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٧﴾ [الروم/٤٧]
و یاری دادن مؤمنان بر (عهده‌ی) ما بود.
با این بیان عجیب و معجزه!! به‌خدا سوگند اگر بشارتی جز این آیه وجود نداشت کافی بود!... خداوند قادر و توانا یاری دادن مؤمنان را متعهد شده و آن را حقی بر خود می‌داند.
این یاری تنها در آخرت و برای دخول به بهشت نیست، بلکه شامل نصرت و یاری دادن در دنیا هم می‌شود. خداوند می‌فرماید:
﴿إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ ٥١﴾ [غافر/٥١] **یقیناً ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان (برای گواهی) بر خیزند، یاری می‌کنیم.**
بشارت و مژده و وعده اینگونه است: نصرت و یاری در هر دو سرای، در دنیا و روزی که گواهان بر می‌خیزند.. اگر مؤمنانی باشند، پس باید نصرت و یاری باشد، وعده‌ی خدا اینگونه است و خداوند خلاف وعده نمی‌کند. به این فرموده‌ی خدا دقت کنید که می‌فرماید:

﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَيَسۡتَخۡلِفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ كَمَا ٱسۡتَخۡلَفَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمۡ دِينَهُمُ ٱلَّذِي ٱرۡتَضَىٰ لَهُمۡ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعۡدِ خَوۡفِهِمۡ أَمۡنٗاۚ يَعۡبُدُونَنِي لَا يُشۡرِكُونَ بِي شَيۡـٔٗاۚ وَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ۝٥٥﴾ [النور/۵۵] **خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند؛ وعده داده است که قطعاً آنها را در زمین جانشین (و حکمران) خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنها بودند جانشین (وحکمران) ساخت، و دینشان را که برای آنها پسندیده است برای آنها استوار (و پا برجا) سازد، و یقیناً (خوف و) ترسشان را به آرامش و امنیت مبدل می کند، تنها مرا پرستش می‌کنند و چیزی را با من شریک نمی‌سازند، و کسانی که بعد از این کافر شوند، ایناند که فاسقند.**

اگر ایمان به خدا، عمل صالح، عبادت خالص بدون شرک وجود داشت سیادت در زمین و تمکین دین حاصل می‌شود و بعد از ترس، امنیت همه‌جا را فرا می‌گیرد. چه کسی این وعده را داده است؟ خدای آسمان‌ها و زمین و مالک همه‌ی ملک‌ها.

ای مسلمانان:

به‌تصویر زیبایی که خداوند از غزوه‌ی بنی نضیر ترسیم می‌کند دقت کنید:

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن دِيَٰرِهِمۡ لِأَوَّلِ ٱلۡحَشۡرِۚ مَا ظَنَنتُمۡ أَن يَخۡرُجُواْۖ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمۡ حُصُونُهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَأَتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِنۡ حَيۡثُ لَمۡ يَحۡتَسِبُواْۖ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعۡبَۚ يُخۡرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيۡدِيهِمۡ وَأَيۡدِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ فَٱعۡتَبِرُواْ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ۝٢﴾ [الحشر/۲] **او کسی است که کسانی از اهل کتاب را که کافر شدند، با نخستین برخورد (و گردآوری**

لشـکر) از دیارشـان بیرون راند، گمان نمی‌کردید که آنها خارج شـوند، و خودشـان (نیز) گمان می‌کردند که دژهای (محکم) شان آنها را از (عذاب) الله مانع می‌شود، پس (عذاب) الله از جایی که گمان نمی‌کردند به سراغ‌شان آمد، و در دل‌هایشان ترس و وشحت افکند، (به گونه‌ای که) خانه‌های خود را با دسـت خود، و با دسـت مؤمنان ویران می‌کردند، پس ای دیده وران عبرت گیرید.

خداوند در این آیه می‌فرماید: ای مؤمنان مجاهد شـما وقتی دژهای یهودیان را دیدید تصور کردید آن‌ها شکسـت‌ناپذیر هستند، و یهودیان گمان کردند دژهایشـان آن‌ها را از عذاب الهی مانع می‌شـود. اما چه رخ داد؟ پس (عذاب) الله از جایی که گمان نمی‌کردند به سراغ‌شان آمد، و در دل‌هایشـان ترس و وشـحت افکند، (به گونه‌ای که) خانه‌های خود را با دسـت خود، و با دسـت مؤمنان ویران می‌کردند. سپس خداوند در پایان چه می‌فرماید: پس ای دیده وران عبرت گیرید.

هدف از این قصـه این است که ما عبرت بگیریم... قرآن تنها یک کتاب تاریخی نیسـت، یک کتاب بزرگ اسـت که مملو از سـرزندگی اسـت، و انسان‌ها را به راه راست رهنمون می‌سازد.

ای مسلمانانی که به پیامبر خود ﷺ افتخار می‌کنید

آیا فرموده‌ی پیامبر محبوبتانﷺ را نشـنیده‌اید که فرمودند: «**خداوند زمین را برای من نشـان داد و من شـرق و غرب آن‌را دیدم، و ملک امت من تا جایی امتداد می‌یابد که من دیدم**[1]»... آری برادران من، ملک مسـلمانان به شرق و غرب گیتی خواهد رسید.

[1] . امام مسلم در صحیح خود آن را از ثوبان روایت می‌کند.

آیا به این فرموده‌ی الگویتان محمد مصـــطفی ﷺ دقت نکرده‌اید که که ایشان فرمودند: «**این دین تا جایی که شب و روز می‌رسد (یعنی کل زمین) خواهد رسـید و خداوند هیچ خانه‌ای در هیچ شهر و روستایی رها نمی‌کند مگر اینکه اســـلام را وارد آن می‌کند به عزت عزیز و ذلت ذلیل، عزتی که خداوند با آن اسـلام را سـرفراز می‌کند و ذلتی که خداوند به آن کافران را نگون بخت می‌کند**».[۲]..این وعده‌ی صـادقی اسـت که به فرموده‌ی خداوند از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید.

بشـنو و تأمل کن در روایتی که امام احمد از ابوقبیل نقل می‌کند و شیخ آلبانی هم آنرا صحیح دانسته، ابوقبیل می‌گوید: ما نزد عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما نشســته بودیم که از ایشـان پرسـیده شد: کدام‌یک از دو شهر زودتر فتح می‌شـود قسطنطنیه (استانبول) یا رومیه (رم)؟ عبدالله صندوقی حلقه‌دار را خواست و از داخل آن نوشته‌ای را بیرون آورد و گفت: زمانی که ما نزد رسـول الله ﷺ بودیم و سخنان ایشان را می‌نوشتیم از وی سئوال شـد که کدامیک از دو شـهر زودتر فتح می‌شـود؛ قسـطنطنیه یا رومیه؟ پیامبر ﷺ فرمودند: شـهر هرقل (قسـطنطنیه).... و قسـطنطنیه در آن زمان پایتخت امپراتوری روم شرقی بود و امروزه نامش استانبول است. و رومیه همان شـهر رم است که پایتخت امپراتوری روم غربی بود، این دو، مرکز مسـیحی‌های جهان بودند، و از حدیث فهمیده می‌شود که صحابه از زبان پیامبر ﷺ شـنیده بودند که این دو شهر فتح می‌شود، اما پرسیدند کدام‌یک زودتر فتح می‌شود، و پیامبر ﷺ به آن‌ها مژده‌ی فتح قسطنطنیه را داد، و این مژده بعد از ۸۰۰ سال یعنی در ۲۰ جمادی الاولی سال ۸۵۷ هجری توسط

---

[۲]. امام احمد و طبرانی و حاکم از تمیم داری رضی الله عنه روایت کرده‌اند و شیخ آلبانی آن را صحیح دانسته است

یک جوان عثمانی به‌نام سلطان محمد فاتح﵀ تحقق یافت. و مژده‌ی دوم هم بدون هیچ تردیدی محقق خواهد شد و اسلام وارد رم پایتخت ایتالیا می‌شود ان شاء الله. در رابطه با حدیث فوق لازم است به دو نکته اشاره کنم:

اول: برخی از علما معتقدند فتح رم تنها با دعوت به‌سوی اسلام و راه‌اندازی مراکز اسلامی و مساجد محقق می‌شود، و فتح از راه جهاد را بعید می‌دانند، حقیقتش این است که در حدیث به چگونگی این فتح اشاره ننموده، اما من بر این باورم که منحصر کردن فتح به دعوت و بدون در نظر داشت جهاد از روی سرخوردگی است، کسی که چنین باوری دارد، تصور نمی‌کند مسلمانان بتوانند روزی ارتشی به ایتالیا بفرستند، لذا می‌گویند حدیث را به دعوت تفسیر می‌کنیم.

اما برعکس..سیاق روایت و نیز سیاق واقع نشان می‌دهد که این فتح با جهاد خواهد بود، قسطنطنیه پس از جهادهای مستمر و پی‌درپی فتح شد و رم نیز به‌همین شیوه فتح می‌شود، لذا پیامبر ﷺ هر دو فتح را در یک روایت جمع کردند.

دوم: محمد فاتح﵀ خود را برای فتح رم و تحقق بشارت دیگر پیامبرﷺ آماده می‌کرد، اما موفق به این کار نشد، و شاید از این گفته‌ی من تعجب کنید که می‌گوید: خوشحالم و خدا را شکر می‌گویم که رم فتح نشد!!... چرا؟ تا اینکه این مژده و بشارت نبوی امید را در دل‌هایمان زنده نگه دارد و بدانیم که مکانی برای فتح کردن داریم، و گرنه نقش ما چه می‌شد جز دست زدن به گذشتگانمان؟!

هرگز...ای رسول خداﷺ ما در راه تو قدم خواهیم گذاشت، و ای محمد فاتح، آنچه تو فتح نکردی را ما –ان شاء الله– فتح خواهیم کرد.

حقیقت پنجم: حقیقت تاریخ

آنچه پیامبرﷺ به ما مژده داده، منحصر به فتح دو شهر قسطنطنیه و رومیه نیست، آنگونه که قبلا ذکر کردم ایشان فتح کل زمین و نصرت و یاری خداوند به مؤمنان را مژده داسته است، ما تحقق این مژده‌ها را در تاریخمان دیدیم، نمی‌گویم در روزها و ماه‌ها و سال‌ها؛ بلکه طی قرن‌های متمادی.

مسلمانان همواره پیروز می‌شدند با اینکه تعدادشان و امکاناتشان کم‌تر بود:

- مسلمانان با وجود اندک بودن تعداد و ناچیز بودن امکانات، در جنگ بدر بر دشمنان پیروز شدند، به توصیف خداوند از جنگ بدر دقت کنید:

﴿وَلَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ بِبَدۡرٖ وَأَنتُمۡ أَذِلَّةٞۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٢٣﴾ [آل عمران: ١٢٣] **و بی گمان خداوند شما را در (جنگ) بدر یاری کرد در حالی که شما ناتوان بودید، پس از خدا بترسید، باشد که سپاسگزاری نمایید.**

- در جنگ یمامه سپاه ١٢ هزار نفری مسلمانان بر سپاه دست‌کم ٤٠ هزار نفری مرتدان پیروز شدند.
- خالد بن الولیدس با هشت هزار نفر از سربازان قهرمان خود طی پانزده نبرد قلعه‌های امپراتوری ساسانی را در هم کوبید بدون اینکه یک‌بار

شکست بخورد، و سپاه ساسانیان حداقل شصت هزار نفر بود و در نبرد فراض به صد و بیست هزار نفر رسید.

- مسلمانان در نبرد قادسیه با ۳۲ هزار نفر بر ۲٤۰ هزار نفر از سپاه ساسانیان پیروز شدند و امپراتوری ساسانی را در هم شکستند، و بیشتر فرماندهان ارتش ساسانی در این نبرد کشته شدند.
- در نبرد نهاوند سپاه ۳۰ هزار نفره‌ی مسلمانان بر سپاه ۱۵۰ هزار نفره‌ی ساسانیان پیروز شد.
- در فتح شوشتر سپاه ۳۰ هزار نفره‌ی مسلمانان بر سپاه ۱۵۰ هزار نفره‌ی ساسانیان پیروز شد و این نبرد هشت بار رخ داد بدون اینکه مسلمانان حتی در یکی از این نبردها متحمل شکست شوند.
- سپاه ۳۹ هزار نفره‌ی مسلمانان در نبرد یرموک توانست سپاه ۲۰۰ هزار نفره‌ی روم را شکست دهد.
- در نبرد وادی برباط در اندلس سپاه دوازده هزار نفره‌ی مسلمانان توانست سپاه ۱۰۰ هزار نفره‌ی غوط‌های اسپانیایی را شکست دهد.

صدها و بلکه هزارها مورد از این پیروزی‌ها را در تاریخمان می‌بینیم، و آنچه ذکر کردم گزیده‌ی اندکی از تاریخ بزرگ اسلام است!! برادرانم تاریخ را بخوانید. سوگند به آن خدایی که جز او کسی مستحق پرستش نیست، در تاریخ کره‌ی زمین، هیچ دینی مانند دین اسلام، و هیچ مردان و قهرمانانی مانند قهرمانان اسلام نخواهید یافت. حتی شکست‌ها یا لغزش‌هایی که مسلمانان در تاریخ متحمل شده‌اند پس از آن با قدرت‌تر برخواسته‌اند، بیایید با هم کمی از برگه‌های تاریخ را ورق بزنیم:

- پس از وفات رسول الله ﷺ شبه جزیره‌ی عربستان مرتد شدند، مگر سه شهر و یک روستا؛ مدینه، مکه، طائف، و روستای هجر در بحرین، جریان ارتداد آنگونه که عده‌ای تصور می‌کنند تنها در رابطه با

منع زکات نبود، بسیاری از مردم به‌طور کلی از اسلام برگشتند، برخی از آن مسلمانان را در دینشان آزار دادند و تعدادی نیز مسلمانان را به قتل رساندند، در میان آن‌ها عده‌ای که تعدادشان کم نبود ادعای پیامبری کردند، کفر همه‌ی جای شبه جزیره‌ی عربستان را فرا گرفت و برخی از صحابه نا امید و مأیوس شدند، حال آن‌ها هزاران بار دشوارتر از حال امروز ما بود، تا جایی که برخی از آن‌ها به ابوبکر صدیق گفتند: ای خلیفه‌ی رسول الله ﷺ، ما توان رویارویی با همه‌ی عرب‌ها را نداریم، در خانه‌ات بنشین و درب خانه‌ات را ببند و در خانه به عبادت مشغول شو تا زمانی که از دنیا می‌روی، اینگونه تصور می‌کنند که توان قیام ندارند، اما خداوند ابوبکر صدیق رضی الله عنه را منتی برای مسلمانان قرار داد، قهرمانی که چون شیر غره‌ای زد که اگر مسلمانان امروز آن را تکرار می‌کردند بر دنیا حاکمیت می‌کردند، وی فرمود: «آیا دین ناقص شود در حالی که من زنده‌ام؟» جمله‌ی بسیار بزرگی است... «آیا دین ناقص شود درحالی که من زنده‌ام؟ به تنهایی با آن‌ها می‌جنگم تا اینکه گردنم زده شود و از دنیا بروم»...

ابوبکر صدیق رضی الله عنه برخاست و مسلمانان نیز همراه او برخاستند، و آن‌سال، سال جهاد و قیام و مبارزه شد، و جهان با نور پروردگار از نو روشنایی یافت و کل شبه جزیره عربستان از نو مسلمان شدند، و ابوبکر صدیق تصمیمی گرفت که آن‌را عجیب‌ترین تصمیم تاریخ می‌دانم!! و آن‌هم فرستادن دو ارتش از مدینه برای فتح فارس و روم!!! شگفت‌انگیزی ای کوه ایمان!!... دولت کوچکی که تازه از یک جنگ داخلی ویرانگر خارج شده با دو امپراتوری بزرگی که دنیا را میان خود تقسیم کرده بودند روبرو می‌شود.. اما این مژده‌ی الهی است:

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيۡنَا نَصۡرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٧﴾ [الروم/٤٧].

و یاری دادن مؤمنان بر (عهده‌ی) ما بود.

و خداوند در این نبردها پیروزی‌هایی بدون شکست نصیب او می‌کند ونتیجه‌ی آن تمکین بدون ضعف و امنیت بدون ترس و واهمه می‌شود!!..

برادران من

آیا داستان ملوک الطوائف اندلس را شنیده‌اید؟ آیا خوانده‌اید که چگونه اندلس به ۲۰ دولت کوچک تقسیم شد که سرانشان به‌جان هم افتاده بودند؟! آیا وابستگی و خیانت و ننگ و عار و ذلت را دیدید؟ آیا حماقت و دیوانگی و فساد و لاابالی‌گری را مشاهده کردید؟ آیا همزمان همانند آن در مراکش و الجزایر و سنگال و موریتانی میان قبایل بربر را دیدید؟ دیدید چگونه زنا و شراب‌خواری و غارت در میانشان شایع بود؟ پس از آن چه رخ داد؟ در سال‌های اندک همه چیز دگرگون و متحول شد، چیزی شبیه یک معجزه رخ داد!! چگونه؟ مردی آمد!! یک مرد!!

شیخ عبدالله بن یاسین رحمه الله که مردم را به‌سوی خدا می‌خواند، آمده بود تا تربیت کند و آموزش دهد و با صبر و بردباری جهاد کند، آن مرد دو نفر می‌شود، و دو نفر چهار نفر و چهار نفر هزار و دو هزار و ده‌هزار، پس از آن شهرها فتح می‌شود و اسلام منتشر می‌شود و دولت مرابطین تأسیس می‌شود، دولتی با قهرمانانی همچون ملائکه...یوسف بن تاشفین و ابوبکر بن عمر رحمهما الله آن دو نفر آموزش می‌دهند و تربیت می‌کنند و به جهاد می‌پردازند، دولتشان امتداد پیدا می‌کند، خیر فراگیر می‌شود، یک سوم آفریقا مسلمان می‌شوند!!... ارتش ۱۰۰ هزار نفری آن‌ها در شمال و ارتش ۵۰۰ هزار نفری آن‌ها در جنوب به جهاد می‌پردازند، این ارتش به اندلس می‌رود و لبخند را به مسلمانان آن دیار باز می‌گرداند و شادی را به

دل‌های مســلمانان اندلس به ارمغان می‌آورد و مشــرکان را خوار و زبون می‌سازد و در نبرد «زلاقه» ۳۰ هزار نفر از مسلمانان قهرمان سپاه ٦٠ هزار نفری غوط‌های اسـپانیایی را شکست می‌دهند... آیا قدرت اسلام را درک کردید؟ آیا دانسـتید قهرمانان اسـلام چگونه بودند؟ آیا فهمیدید شریعت اسلام چگونه است؟

- چرا دور می‌رویم؟ آیا داســتان فلســطین را شــنیده‌اید، وقتی از اشغال ۵۰ ساله می‌نالید و فریاد می‌کرد؟ آیا داستان نُه حمله‌ی وحشیانه‌ی صلیبی‌ها به فلسطین را شنیده‌اید؟ آیا می‌دانید آن‌ها ۲۰۰ سال فلسطین را به‌اشغال خود در آوردند و بیت المقدس ۹۲ سال در اشغال آن‌ها بود؟ آیا خوانـده‌ایـد که آن‌ها در یک روز در بیت المقدس ۷۰ هزار مســلمان را به‌قتل رساندند و تا زانویشان در خون مسلمان‌ها بود؟

اما دیدی خدایت با صلیبی‌ها چه کرد؟!

تاریخشـان در تاریخ به اتمام رسـید و دولت خون‌خوار و جنایتکارشان سـاقط شـد، انسـان‌هایی پاک و با وضـو و قرآن‌خوان و نمازخوان شمیر به‌دسـت با توکل بر خدای خود و برای رضای او به جهاد پرداختند و در این راسـتا از هیچ سرزنشی نهراسیدند، قهرمانانی مانند عماد الدین زنگی و شــهید نورالدین محمود، و صــلاح الدین ایوبی -رحمهم الله- مشــتاق مرگ و شهادت بودند و خداوند زندگی را به آن ها بخشید، خود را برای بهشــت می‌آراســتند و بهشــت خود را برای آن‌ها می‌آراســت، با خدا برخواســتنـد و خدا هم با آن‌ها بود، خداوند وعده‌ی خود را برای آن‌ها محقق کرد و یاری‌شان داد و سپاه خود را عزت بخشید و به‌تنهایی همه‌ی گروه‌های صـلیبی را شـکست داد، الا اله الا الله، روز حطین آمد و ما بعد حطین، روزگاری که تاریخ با تدوین آن روشن و تابناک شد و باید تاریخ به ثبت این روزها به خود ببالد..

حقیقت ششم: حقیقت واقع

چرا فقط تاریخ را ورق می‌زنیم؟ آیا در واقع ما مواردی نیست که تحقق وعده‌ی الهی را ثابت می‌کند؟

آری، به‌خدا سوگند دیدیم و شنیدم، کافی است واقع امروز ما را با چهل سال قبل مقایسه کنید، ٤٠ سال در تاریخ امت‌ها چیزی به‌شمار نمی‌آید.

- به نمازهای داخل مساجد نگاه کنید... می‌بینید نمازگزاران و خدمت‌گذاران مساجد چه کسانی هستند و تعدادشان چقدر است؟ در گذشته تعداد اندکی از نمازگزاران را در مسجد می‌دیدیم، اما اکنون مساجد مملو از نمازگزاران است که بیشتر آن‌ها جوانان و کودکان هستند، آیا این خود نوید دهنده‌ی آینده‌ی روشن این دین نیست؟
- نگاهی به حج و عمره بیندازید. میلیون‌ها مسلمان از همه‌جا روانه‌ی حرمین شریفین می‌شوند و هیچ‌گاه کعبه را خالی از طواف و زائران نخواهی دید، آیا شوق مردان و زنان و کهنسالان و جوانان برای حج و عمره را دیده‌ای؟
- نگاهی به حجاب و سرعت انتشار آن بینداز. در دهه‌ی شصت میلادی در دانشگاه مصر تنها یک دانشجوی دختر باحجاب وجود داشت، روزها گذشت، امروز اگر وارد دانشگاه شوی و نیمه‌ی پر از خوش‌بینی

لیوان را ببینی هزاران دختر مسلمانان مؤمن را خواهی یافت، اما اگر به نیمه‌ی خالی لیوان نگاه کنی خواهی ترسید.

- به انتخابات اتحادیه‌ها و دیگر انتخابات نگاه کن. آیا نمی‌بینی که مردم از کسانی که ندای اسلام‌گرایی سر می‌دهند حمایت می‌کنند؟ ندیدی که چگونه مسلمانان بدون اینکه شناختی از افراد داشته باشند به‌مجرد اینکه به مسلمانان بودنشان افتخار می‌کنند از آن‌ها حمایت می‌کنند.
- نمایشگاه‌های کتاب را ببینید. نمی‌بینید که پرفروش‌ترین کتاب‌های، کتاب های اسلامی و شلوغ‌ترین جناح‌ها، جناح‌های فروش کتاب‌های اسلامی، و پرنشرترین انتشارات، انتشارات اسلامی هستند؟
- آیا نمی‌بینید که گروه‌های مختلف سیاسی با رویکردهای مختلف از برگه‌ی اسلام در بازی‌های سیاسی استفاده می‌کنند، اگر چه آن را دوست ندارند، چون می‌دانند توده‌ی مردم و جامعه اسلام‌خواه است.
- أحزاب سکولار را دیدیم که در برنامه‌های خود طرح‌های اسلامی را مطرح می‌کند.
- بانک‌های ربوی را می‌بینیم که شعبه‌هایی برای معامله‌های اسلامی باز می‌کند.
- آرایشگاه‌های زنانه را می‌بینیم که بخش‌های ویژه‌ی بانوان محجبه راه‌اندازی می‌کنند.
- برنامه‌های تلوزیونی‌ای که قبلاً تنها از خواننده‌ها و رقاصه‌ها صحبت می‌کرد امروز میزبان علمای مسلمان می‌شود.

همه‌ی این‌ها را دیدیم و در آینده بیشتر خواهیم دید، برادرم بیا و تمرکز کن و میدان جهان را نیک بنگر.

- آیا خبر پیروزی افغان‌ها بر روس‌ها را نشنیدی؟

﴿فِي بِضۡعِ سِنِينَۗ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ مِن قَبۡلُ وَمِنۢ بَعۡدُۚ وَيَوۡمَئِذٖ يَفۡرَحُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٤ بِنَصۡرِ ٱللَّهِۚ يَنصُرُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٥ وَعۡدَ ٱللَّهِۖ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٦﴾ [الروم: ٤ –٦] **در (ظرف) چند سال؛ پیش از (این پیروزی) و بعد از این (پیروزی) فرمان از آن خداست، و در آن روز مؤمنان شادمان خواهند شد. به (سبب) یاری خداوند، و (خداوند) هر که را بخواهد یاری می‌کند، و او پیروزمند مهربان است.خداوند وعده داده است، خداوند هرگز وعده‌ی خویش را خلاف نمی‌کند، و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند.**

مبادا گمان کنی روس‌ها به‌خاطر کوه‌های ناهموار افغانستان شکست خوردند، بلکه آن‌ها شکست خوردند چون خداوند شکستشان داد، و به عقب رانده شدند چون خداوند آن‌ها را به عقب راند، زمانی که خداوند در میان افغان‌ها انسان‌هایی مانند کوه و استوارتر از کوه یافت.

آیا ندیدی چگونه حکومت تزاری روسیه و سپس کمونیست‌های بلشویک جمهوری‌های مسلمان نشین را بمدت ٣٠٠ سال در اشغال خود داشتند و طی این سال‌ها بشدت مسلمانان را شکنجه می‌دادند و ذبح می‌کردند، تا جایی که داشتن نسخه‌ی قرآن جرم بود و بر اساس قانون افرادی که در خانه قرآن داشتند را مجازات می‌کردند، ایمان به خدا را منکر می‌شدند، و با کسی که به‌خدا و رسولش ایمان داشت مبارزه می‌کردند..سال‌ها گذشت، شب پشت کرد و نور خورشید دمید، و ملت‌هایی که همچنان مسلمان مانده بودند با دل‌هایی لبریز از ایمان، و با دست‌هایی با وضو، و با سرهایی همچنان در حال سجده این رشادت‌ها و دلاورمردی‌ها را رقم زد.. این همان وعده‌ی الهی است.

برادر من؛ حتی فراتر از آن:

- به آمریکا نگاه کن که در دهه‌ی شـــصـــت میلادی تنها چندهزار مســلمان در آن وجود داشت، امروزه در این کشور بیش از هشت میلیون مســلمان وجود دارد!![٣] در دهه‌ی هفتاد میلادی دیدم که از خانه‌ای بعنوان مســجد استفاده می‌شد و این خانه تنها مسجد شهر بود، و پس از سال‌ها دوباره به همان شهر رفتم و ده مسجد در آنجا دیدم!!
- به مســـــلمانان در غرب نگاه کنید.. آیا از مدارس آن‌ها، از مراکز اسلامی، مطبوعات و سمینارها و شرکت‌هایشان شنیده‌اید؟
- برادرم؛ آیا می‌دانی که دین اســلام از نظر رشد و سرعت انتشار، در میان دیگر ادیان یکه‌تازی می‌کند ؟
- آیا می‌دانی که یک وب‌ســایت اســلامی در روز دو میلیون نفر از آن بازدید می‌کنند که یک میلیون از این تعداد تنها در آمریکا هستند؟

عزیزان من؛ آیا این فتح و نصرت و عزت و تمکین نیست؟

---

٣ – این آمار متعلق به سال ٢٠٠٣ میلادی است

حقیقت هفتم: حقیقت دشمنان

عزیزانم:

آیا می‌دانید با چه کسانی می‌جنگید؟

آیا یهودیان و هم‌پیمانانشان نیستند؟!

آیا همان‌هایی نیستند که خداوند در موردشان می‌فرماید:

﴿ضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ أَيۡنَ مَا ثُقِفُوٓاْ﴾ [آل عمران: ١١٢] **هر کجا یافته شوند، (مهر) ذلت و خواری بر آنان زده شده است .**

و در موردشان می‌فرماید:

﴿لَا يُقَٰتِلُونَكُمۡ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرٗى مُّحَصَّنَةٍ أَوۡ مِن وَرَآءِ جُدُرِۭۚ﴾ [الحشر/١٤] **آنها (یهود) هرگز دسته‌جمعی با شما نمی‌جنگند جز در آبادیها (و دژهای) محکم یا از پشت دیوارها.**

و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمۡ أَحۡرَصَ ٱلنَّاسِ عَلَىٰ حَيَوٰةٖ﴾ [البقرة/٩٦] **و هر آینه آنان را حریص ترین مردم - (حتی) حریص تر از مشرکان - بر زندگی خواهی یافت.**

این هستند یهودیان...

﴿أَتَخۡشَوۡنَهُمۡۚ فَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخۡشَوۡهُ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٣ قَٰتِلُوهُمۡ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ بِأَيۡدِيكُمۡ وَيُخۡزِهِمۡ وَيَنصُرۡكُمۡ عَلَيۡهِمۡ وَيَشۡفِ صُدُورَ قَوۡمٖ مُّؤۡمِنِينَ ١٤ وَيُذۡهِبۡ غَيۡظَ قُلُوبِهِمۡۗ وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٥ أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تُتۡرَكُواْ وَلَمَّا يَعۡلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ مِنكُمۡ وَلَمۡ يَتَّخِذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَا رَسُولِهِۦ وَلَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَلِيجَةٗۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٦﴾

[التوبة: ١٣ -١٥] **آیا از آنها می ترسید؟! پس خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگرایمان دارید. با آنها بجنگید, تا خداوند با دستان شما عذابشان کند، و آنان را رسوا سازد، وشما را بر آنها پیروزی دهد، وسینۀ گروه مؤمنان را شفا می‌بخشد. وخشم دلهایشان را از میان می‌برد، وخداوند توبه‌ی هرکس را بخواهد می پذیرد, وخداوند دانای حکیم است.**

اگر همه‌ی یهودیان و همه‌ی اهل زمین با هم باشند:

- آیا شما از آن‌ها و کثرتشان و احزابشان و گروه‌هایشان می‌ترسید؟

آیا خداوند آن‌ها و امثال آن‌ها را اینگونه خطاب نکرده است که:

﴿وَلَن تُغۡنِيَ عَنكُمۡ فِئَتُكُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَوۡ كَثُرَتۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٩﴾

[انفال/١٩] **و گروه شما هر چند زیاد باشد، شما را بی‌نیاز نخواهد کرد, (زیرا) که خداوند با مؤمنان است.**

- آیا از امکانات آن‌ها می‌ترسید؟ مگر خداوند نمی‌فرماید:

﴿قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ سَتُغۡلَبُونَ وَتُحۡشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٢﴾

[آل عمران/١٢] **به کسانی که کافر شدند بگو: «بزودی مغلوب خواهید شد، و (سپس در قیامت) به سوی جهنم، محشور می شوید، و چه بد جایگاهی است.**

- آیا از عقل و خرد و توان جسمی آن‌ها می‌هراسید؟ مگر خداوند نفرموده است:

﴿لَهُمۡ قُلُوبٞ لَّا يَفۡقَهُونَ بِهَا وَلَهُمۡ أَعۡيُنٞ لَّا يُبۡصِرُونَ بِهَا وَلَهُمۡ ءَاذَانٞ لَّا يَسۡمَعُونَ بِهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَٱلۡأَنۡعَٰمِ بَلۡ هُمۡ أَضَلُّۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ ١٧٩﴾ [الأعراف: ١٧٩] **آنها دلهایی دارند که با آن نمی‌فهمند و چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آنان مانند چهار پایانند، بلکه اینان گمراه ترند، اینان همان غافلانند.**

ای مسلمانان:

آیا شما تصور می‌کنید آن‌ها همیشه پیروز شده‌اند و گاهی شکست و ذلت را تجربه نکرده‌اند؟

- آمریکای مغرور را دیدیم چگونه با فریاد و ناله و نود و پنج هزار کشته از ویتنامی که بر روی نقشه دیده نمی‌شود عقب نشینی کرد! مشابه آن را برای بار دوم و سوم در سومالی و لبنان دیدیم.
- دیدیم چگونه پایگاه‌های هسته‌ی «چرنوبل» روسیه منفجر شده و هزاران هکتار از زمین‌های روسیه را آلوده می‌کند.

موشک «چلنچر» را دیدیم که می‌گفتند با به‌دست آوردن آن به کمال مطلق رسیده‌اند «پاک و منزه است خداوند از شرک آن‌ها» ﴿وَظَنَّ أَهۡلُهَآ أَنَّهُمۡ قَٰدِرُونَ عَلَيۡهَآ أَتَىٰهَآ أَمۡرُنَا لَيۡلًا أَوۡ نَهَارٗا فَجَعَلۡنَٰهَا حَصِيدٗا كَأَن لَّمۡ تَغۡنَ بِٱلۡأَمۡسِۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٢٤﴾ [یونس: ٢٤] **و اهل آن گمان کردند که خود بر آن چیره‌اند، (نا گهان) فرمان ما در شب یا روزی فرا رسد، و آنچنان آن (کشتزار) را درو کنیم که گوی دیروز هرگز (کشتزاری) نبوده است. این گونه آیات (خود) را برای گروهی که می اندیشند به تفصیل بیان می‌کنیم.**

این موشک تنها بعد از چند ثانیه از شلیک آن بطور کامل و پیش چشم همه منفجر شد تا به حسرتشان بیفزاید.

آیا قدرت خداوند بر آن‌ها را ندیدی که همه‌شان را به‌زانو درآورد:

- سیلی را دیدیم که شهری را تنها در دو ساعت غرق کرد!!.. شهر نیواورلیانز آمریکا در ماه مه ۱۹۹۵ میلادی

﴿فَفَتَحۡنَآ أَبۡوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ بِمَآءٖ مُّنۡهَمِرٖ ۝١١ وَفَجَّرۡنَا ٱلۡأَرۡضَ عُيُونٗا فَٱلۡتَقَى ٱلۡمَآءُ عَلَىٰٓ أَمۡرٖ قَدۡ قُدِرَ ۝١٢﴾ [القمر/ ۱۱ – ۱۲] **آنگاه درهای آسمان را با آبی (فراوان و) فروریزنده گشودیم. واز زمین چشمه‌های جوشاندیم (وجاری نمودیم). پس این (دو) آب (آسمان وزمین) برای امری که مقدر شده بود باهم در آمیختند.**

- طوفان برف و کولاک را در شهر مدرن نیویورک دیدیم که چگونه خیابان‌ها را تعطیل و ماشین‌ها را در برف‌ها غرق کرد!!
- طوفان‌هایی را دیدیم که ماشین‌های بزرگ را به پشت بام خانه‌ها می‌انداخت.
- تندباد مستمری را دیدیم که انسان‌ها را مانند تنه‌ی نخل انداخته بود و درختان جنگل را از ریشه می‌کند، و زندگی را محو می‌نمود، همه‌ی این‌ها را دیدیم اما ندیدیم کسی از آن پند و عبرت بگیرد.

آیا این جامعه را از درون دیده‌اید؟

جامعه‌ای از هم گسیخته و فرومایه، که پستی در آن رخنه کرده و ابایی از رسوایی ندارد و بر اساس هوای نفسش قدم بر می‌دارد و شهواتش بر آن سیطره یافته و نابودش می‌کند.

دمی با من به این آمارها نگاه کنید تا حال نوجوانان آمریکایی که به سن ۱۸ سالگی نرسیده‌اند و انتظار می‌رود تا ده سال دیگر سکان کشور را به‌دست بگیرند دریابید:

- ٥٥ درصـد از این نوجوانان مرتکب زنا شـده‌اند و این آمارها در شـهرها به ٨٠ درصـد و در روسـتاها به ٣٣ درصـد می‌رسـد. یعنی در پاک‌ترین و سالم‌ترین منطقه‌ی آمریکا ٣٣ درصد زنا وجود دارد، آن‌هم در سـن کمتر از ١٨ سال!! اگر بخواهیم بالای سن ١٨ سال را در نظر بگیریم این آمارها به ٩٠ درصد می‌رسد.
- ٣٥٠ مورد حاملگی بدون ازدواج در میان دختران زیر ١٨ سال، و آمار واقعی خیلی بیش‌تر از آن است بخاطر انتشار سقط جنین در آمریکا.
- ٢٤ درصد از خانواده‌های آمریکایی از نعمت پدر محروم هستند، یـا انیکـه مادر بخاطر رابطه‌ی جنسـی با مردهای زیاد نمی‌داند پدر بچه کیست و یا بخاطر طلاق.
- ٤٠ درصـد از نوجوانان تجربه‌ی استفاده از مواد مخدر را دارند!! اما در رابطه با مشـروبات الکی هرچه دلت می‌خواهد بگو...آمارها قابل شمارش نیست...
- از سـال ١٩٩٨ تا ١٩٩٩ میلادی تنها در عرض یک سـال آمار جنایت‌ها در شهر دالاس آمریکا ٧٠ درصد افزایش یافته است.
- سـومین سـبب مرگ در میـان نوجوانان و جوانان آمریکایی خودکشـی اسـت!! یعنی سومین سبب مرگ جوانان و نوجوانان آمریکایی خودکشی است، همان جوانانی که قرار است در آینده آمریکا را مدیریت کنند.. آمار خودکشی تنها در آمریکا سالانه ٣٢٠٠٠ نفر است.
- از هر هفت جوان آمریکایی یک نفر معتاد به قماربازی است...

این اسـت أوضـاع آمریکـا از داخل!! این اسـت آمریکایی که از آن می‌ترسیم.

برادر و دوست ایمانی من؛

آیا در پیروزی خود بر این جماعت تردید داری؟

آیا در پیروزی خود بر گروهی که بیشتر سربازانش زناکار و همجنس‌گرا هستند تردید داری؟

آیا در پیروزی بر گروهی که عشق مشروبات الکی و منکرات و رذایل اخلاقی در دلشان جای گرفته شک داری؟

هم‌سفرم در ره رسیدن به خدا:

﴿لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ ١٩٦ مَتَٰعٞ قَلِيلٞ ثُمَّ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٩٧﴾ [عمران: ١٩٦ -١٩٧] **رفت و آمد کافران درشهرها، تو را نفریبد! (این) متاع ناچیزی است، پس جایگاهشان دوزخ است، و چه بد جایگاهی است.**

﴿وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَبَقُوٓاْۚ إِنَّهُمۡ لَا يُعۡجِزُونَ ٥٩﴾ [الأنفال/ ٥٩] **وکسانی که کافر شدند, نپندارند که پیشی گرفته اند؛ آنها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد.**

حقیقت هشتم: نصرت و یاری الله در دشوارترین لحظات تلاش و کوشش و مجاهدت می‌آید.

برادری که تصور کرده‌ای نصرت و یاری خداوند به تأخیر افتاده است: بدان که نصرت الهی در دشوارترین لحظات مجاهدت می‌آید. آیا نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا ٱسۡتَيۡـَٔسَ ٱلرُّسُلُ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ قَدۡ كُذِبُواْ جَآءَهُمۡ نَصۡرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَآءُۖ وَلَا يُرَدُّ بَأۡسُنَا عَنِ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ١١٠﴾ [یوسف/ ١١٠] **(کافران پیوسته به انکار خود ادامه دادند) تا آنگاه که پیامبران (از قومشان) ناامید شدند، و (مردم) پنداشتند که به آنها دروغ گفته شده است، (در این هنگام) یاری ما به سراغشان آمد، پس هر کس را که خواستیم نجات یافت، و عذاب ما از قوم گنهکار را باز نخواهد گشت.**

درست در لحظه‌ای که همه - پیامبران و پیروانشان- تصور می‌کردند که ظلم و ستم و شک و روی‌گردانی به اوج خود رسیده و همه چیز تمام شده و آزار دعوت‌گران شدت یافته اما آن‌ها بر اصول خود ثابت قدم هستند در اینجاست که «یاری ما به سراغشان آمد».

به این فرموده‌ی خداوند دقت کن:

﴿أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَأۡتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۖ مَّسَّتۡهُمُ ٱلۡبَأۡسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ وَزُلۡزِلُواْ حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصۡرُ ٱللَّهِۗ أَلَآ إِنَّ نَصۡرَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ ٢١٤﴾ [البقرة/ ٢١٤] **آیا گمان کرده‌اید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز بر (سر) شما نیامده است، مانند**

آنچه که بر (سر) پیشینیان شما آمد؟ سختی و زیان به آنها رسید، و (آنچنان) تکان خوردند تا که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند، گفتند:«یاری خدا کی خواهد بود؟» آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است.

درست در لحظه‌ای که صبر به آخر رسیده، در این لحظه خداوند می‌گوید: «آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است».

آیا در سیرت پیامبرﷺ اندیشه نکرده‌ای که شدیدترین ابتلای مؤمنان در غزوه‌ی احزاب بود که خداوند در وصف آن ﴿إِذۡ جَآءُوكُم مِّن فَوۡقِكُمۡ وَمِنۡ أَسۡفَلَ مِنكُمۡ وَإِذۡ زَاغَتِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَبَلَغَتِ ٱلۡقُلُوبُ ٱلۡحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِٱللَّهِ ٱلظُّنُونَا۠ ۝١٠ هُنَالِكَ ٱبۡتُلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَزُلۡزِلُواْ زِلۡزَالٗا شَدِيدٗا ۝١١﴾ [الأحزاب: ۱۰ -۱۱] **هنگامی که آنها (= دشمنان) از (سمت) بالای (شهر) شما و از (سمت) پایین (شهر) تان به سوی شما آمدند (و شما را محاصره کردند) و زمانی را که چشمها (از شدت وحشت) خیره شد، و دلها به حنجره ها رسید، و گمان های گوناگونی به خدا می‌بردید.**

آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و به سختی تکان خوردند.

آیا ندیدی که پس از غزوه‌ی احزاب، مسلمانان فتوحات پی در پی داشتند؟ بعد از آن لحظات سخت و دشوار، صلح حدیبیه آمد، و بعد از آن فتح مکه، و سپس فتح طائف و سپس فتح کل جزیره العرب..

مجد و شکوهی پس از مجد و شکوه دیگر، و روزهای پیروزی و شادی و تمکین...

حقیقت نهم: خداوند بخاطر عجله‌ی بندگان عجله نمی‌کند

برادری که تصور می‌کنی نصرت و یاری خدا به تأخیر افتاده:
بدان که ادب در برابر خداوند اقتضا می‌کند که انسان عجول نباشد، و حکمت خداوند بر این است که محبان و خاصان و بندگان خود را می‌آزماید، و نصرت و یاری خداوند وقتی می‌آید که خداوند خیر و صلاح مؤمنان را در نصرت و یاری ببیند نه در انتظار نصرت..
امام بخاری از خباب بن ارت ﷺ روایت می‌کند که ایشان فرمودند: روزی از روزها در حالی که پیامبرﷺ در سایه‌ی کعبه نشسته بود خدمت ایشان رفته و عرض کردیم: آیا از خدا برای ما نصرت و یاری نمی‌خواهی؟ آیا برایمان دعا نمی‌کنی؟ دردها شدت یافته و آزارها زیاد شده...شلاق، سوزاندن، خفه کردن، و به دار آویختن و ... ایشان فرمودند: «**پیش از شما اقوامی بودند که گوشت‌های بدن آنها با شانه‌های آهنی از بدن جدا می‌شد و فقط استخوان و رگ می‌ماند. باز هم موجب برگشتن از دین و عقیده شان نمی‌شد. سوگند بخدا، که الله دینش را پیروز می‌گرداند و گسترش می‌دهد تا جایی که سواری از صنعاء به حضرموت برود و از هیچ جز الله نترسد**».
سبحان الله.... عجله می‌کنید؟!! بعد از این همه شکنجه در مکه، آیا خباب عجله می‌کرد؟!!

بلــه... هنوز چیزهــای دیگری وجود دارد؛ ترک مــال و دارایی، ترک خانواده، ترک شهر و دیار...

نبرد و مبارزه...

جهاد و شهات..

پس از آن.... نصرت الهی می‌آید

در زمانی که خداوند تعیین نموده در زمانی که مخلوق دلش می‌خواهد.

حقیقت دهم: اجر و پاداش مرتبط به پیروزی نیست؛ بلکه مرتبط به عمل است

برادری که تصور می‌کنی پیروزی به تأخیر افتاده:

بدان که اجر و پاداش انسان‌ها به پیروزی مرتبط نیست؛ به عملکرد او ارتباط دارد...

﴿مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ٩٧﴾ [النحل/ ۹۷] **هر کسی که کار شایسته‌ای انجام دهد، (خواه) مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم، و مسلماً پاداششان را به (حسب) بهترین اعمالی که انجام می‌دادند ؛ به آنها می‌دهیم.**

بدان... هرچقدر کار نیک انجام دهی به همان اندازه اجر و پاداش کسب می‌کنی...

هرچقدر تلاش کنی... پاداشت کامل‌تر خواهد شد.

اگر چه تو نصرت و یاری الهی و پیروزی را به‌چشم نبینی، فرزندان و دوستان و نزدیکانت خواهند دید.

و بدان که اجر انسان تباه می‌شود اگر یقین به نصرت الهی را از دست دهد.

و نصرت الهی و پیروزی جز با یقین خالص بدون هیچ شک و شائبه‌ای نمی آید:

﴿مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ بِسَبَبٍ إِلَى ٱلسَّمَآءِ ثُمَّ لۡيَقۡطَعۡ فَلۡيَنظُرۡ هَلۡ يُذۡهِبَنَّ كَيۡدُهُۥ مَا يَغِيظُ ١٥﴾ [الحج/ ١٥]**کسی که گمان می‌کند خداوند او (= پیامبر) را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد، (و بدین خاطر عصبانی است) پس ریسمانی به سقف (خانه‌اش) بیاویزید (و خود را حلق آویز کند) سپس آن را قطع کند، آنگاه بنگرد آیا (این) تدبیرش خشم او را از میان خواهد برد ؟!**

صحابه را دیدی که در غزوه‌ی احزاب از هیچ چیزی احساس امنیت نداشتند؟ چگونه محاصره شده بودند؟ درست در آن زمان مژده‌هایی مافوق خیال و تصور از پیامبرﷺ می‌شنوند و آن را تصدیق می‌کنند و به آن ایمان می‌آورند. به این داستان توجه کن: «براء بن عازب رضی الله عنه می‌گوید: رسول اللهﷺ هنگام کندن خندق وقتی -کلنگ را- به سنگ زد فرمود: «**الله اکبر کلیدهای شام به من داده شد و از هم اکنون به کاخ‌های سرخش نگاه می‌کنم، برای بار دوم -با کلنگ- به سنگ زد و فرمود: الله اکبر، فارس به من داده شد، و به‌خدا سوگند من از هم‌اکنون کاخ مدائن را می‌بینم، سپس برای بار سوم به سنگ ضربه زد و فرمود: بسم الله. باقیمانده‌ی سنگ شکسته شد، ایشان فرمودند: الله اکبر، کلیدهای یمن به من داده شد، و از همین جایی که هستم درهای صنعا را می‌بینم**».

درست زمانی که صحابه محاصره هستند به مژده‌ی فتح شام و فارس و یمن گوش می‌دهند، آن را از روی یقیت تصدیق می‌کنند گویا همراه با رسول الله ﷺ آن‌را می‌بینند.

و به‌همین سبب نصرت و یاری الهی و پیروزی آمد و محقق شد.

ای مؤمنان!!

شما برتر هستید

عزیزانم:

دمی بـه این آیـه‌ی عجیب – و همه‌ی آیات خدا عجیب اسـت– دقت کنید، آیه‌ای که گنجی از گنج‌ها خدای منان و بخششی از سوی پروردگار رحمان است:

﴿وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٣٩﴾ [آل عمران/١٣٩] **و سست نشوید و اندوهگین نگردید، و شما برتر هستید؛ اگر مؤمن باشید.**

ای مسلمانان: آیا می‌دانید این آیه کی نازل شده است؟

بعد از غزوه‌ی احد!!.... بعد از شکست!!

چرا؟

برای اینکه مؤمنان بدانند عزت و برتری با یک شکست مرحله‌ای تحت تـأثیر قرار نمی‌گیرند، و مرتبط به پیروهای عینی و تمکینی که مشـاهده می‌شـود نیستند... و برای اینکه مؤمنان بدانند که حال دوران دائماً یکسان نیست، و تاریخ می‌چرخد، این‌ها دوره‌ای دارند و آن‌ها دوره‌ای دیگر، اما دوره‌ی اخیر –ان شاء الله– از آن مؤمنان است.

ای مؤمنان و بندگان خداوند:

- شـما برتر هسـتید؛ چون خدای شـما الله اسـت که هیچ معبودی به‌حق قابل پرستش نیست مگر او:

﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعۡجِزَهُۥ مِن شَيۡءٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَلِيمٗا قَدِيرٗا ٤٤﴾ [فاطر/ ٤٤] و هیچ چیزی در آسـمان‌ها و زمین نیسـت که خدا را ناتوان سـازد (و از حوزه ی قدرت او بیرون رود) بی گمان او دانای تواناست.

- شما برتر هستید؛ چون پیرو پیامبر خاتم محمد مصطفی ﷺ بهترین آفریده‌ی الهی، و سـرور پیغمبران و محو کننده‌ی کفر حاشری هستید که مردم پس از وی محشـور می‌شـونـد و عـاقبی که پس از وی پیامبری نمی‌آید.

- شـما برتر هسـتید؛ چون کتاب شـما قرآن اسـت که در آن اخبار پیشینیان و اخبار آیندگان آمده، و در مورد آنچه میان شما می‌گذرد داوری نموده، هر طاغوتی که با آن ستیز کند خداوند ذلیل و زبونش می‌گرداند و کسـی کـه علم را در غیر آن بجویـد خـداونـد گمراهش می‌کند، همان ریسـمان مسـتحکم الهی، و نور روشـنایی بخش و شـفای دل‌ها..رهایی بخش کسـانی که به آن تمسـک جوید و نجات بخش کسـانی که از آن پیروی کنند، کژی در آن نیسـت تا راسـت شـود، عجایبش پایان ندارد و تکرار آن کهنه‌اش نمی‌کند.

- شـما برتر هستید؛ چون دین شما اسلام، دین دنیا، جسم و روح، عقل و قلب، اسـت، خداوند چیزی را در شـریعت رها ننموده مگر آن را واضح و آشکار ساخته است:

ﭽﭐﻟۡﻴَﻮۡﻡَ ﺃَﻛۡﻤَﻠۡﺖُ ﻟَﻜُﻢۡ ﺩِﻳﻨَﻜُﻢۡ ﻭَﺃَﺗۡﻤَﻤۡﺖُ ﻋَﻠَﻴۡﻜُﻢۡ ﻧِﻌۡﻤَﺘِﻲ ﻭَﺭَﺿِﻴﺖُ ﻟَﻜُﻢُ ﭐﻟۡﺈِﺳۡﻠَٰﻢَ ﺩِﻳﻨٗﺎۚﭼ [المائدة/۳] **امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را (بعنوان) دین برای شما بر گزیدم .**

- شما برتر هستید؛ چون با اخلاق‌تر هستید... «همانا من بر انگیخته شده‌ام تا مکارم اخلاق را کامل کنم».
- شما برتر هستید؛ ﭽﻭَﺃَﻟَّﻒَ ﺑَﻴۡﻦَ ﻗُﻠُﻮﺑِﻬِﻢۡۚ ﻟَﻮۡ ﺃَﻧﻔَﻘۡﺖَ ﻣَﺎ ﻓِﻲ ﭐﻟۡﺄَﺭۡﺽِ ﺟَﻤِﻴﻌٗﺎ ﻣَّﺎٓ ﺃَﻟَّﻔۡﺖَ ﺑَﻴۡﻦَ ﻗُﻠُﻮﺑِﻬِﻢۡ ﻭَﻟَٰﻜِﻦَّ ﭐﻟﻠَّﻪَ ﺃَﻟَّﻒَ ﺑَﻴۡﻨَﻬُﻢۡۚ ﺇِﻧَّﻪُۥ ﻋَﺰِﻳﺰٌ ﺣَﻜِﻴﻢٞ ٦٣ﭼ [الأنفال/ ٦٣] **اگر تمام آنچه را که در روی زمین است خرج می‌کردی, نمی‌توانستی بین دلهایشان الفت دهی, ولی خدا در میان آنها الفت داد, همانا او پیروزمند حکیم است.**
- شما برتر هستید؛ چون ملائکه شما را ثابت قدم می‌کنند.: ﭽﺇِﺫۡ ﻳُﻮﺣِﻲ ﺭَﺑُّﻚَ ﺇِﻟَﻰ ﭐﻟۡﻤَﻠَٰٓﺌِﻜَﺔِ ﺃَﻧِّﻲ ﻣَﻌَﻜُﻢۡ ﻓَﺜَﺒِّﺘُﻮﺍْ ﭐﻟَّﺬِﻳﻦَ ﺀَﺍﻣَﻨُﻮﺍْۚﭼ [الأنفال: ۱۲]**وبه یاد آورهنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم, پس کسانی را که ایمان آورده‌اند؛ ثابت قدم دارید.**
- شما برتر هستید؛ چون دل‌هایتان آرامش دارد: ﭽﻭَﻣَﺎ ﺟَﻌَﻠَﻪُ ﭐﻟﻠَّﻪُ ﺇِﻟَّﺎ ﺑُﺸۡﺮَﻯٰ ﻭَﻟِﺘَﻄۡﻤَﺌِﻦَّ ﺑِﻪِۦ ﻗُﻠُﻮﺑُﻜُﻢۡۚ ﻭَﻣَﺎ ﭐﻟﻨَّﺼۡﺮُ ﺇِﻟَّﺎ ﻣِﻦۡ ﻋِﻨﺪِ ﭐﻟﻠَّﻪِۚ ﺇِﻥَّ ﭐﻟﻠَّﻪَ ﻋَﺰِﻳﺰٌ ﺣَﻜِﻴﻢٌ ١٠ﭼ [الأنفال/ ۱۰] **وخداوند این (یاری ومدد) را تنها برای شادی واطمینان قلب شما قرار داد, وگرنه پیروزی جز از طرف خدا نیست, به راستی خداوند پیروزمند حکیم است.**
- شما برتر هستید؛ چون میعادگاه شما بهشت است... ﭽﺇِﻧَّﻪُۥ ﻛَﺎﻥَ ﻓَﺮِﻳﻖٞ ﻣِّﻦۡ ﻋِﺒَﺎﺩِﻱ ﻳَﻘُﻮﻟُﻮﻥَ ﺭَﺑَّﻨَﺎٓ ﺀَﺍﻣَﻨَّﺎ ﻓَﭑﻏۡﻔِﺮۡ ﻟَﻨَﺎ ﻭَﭐﺭۡﺣَﻤۡﻨَﺎ ﻭَﺃَﻧﺖَ ﺧَﻴۡﺮُ ﭐﻟﺮَّٰﺣِﻤِﻴﻦَ ١٠٩ ﻓَﭑﺗَّﺨَﺬۡﺗُﻤُﻮﻫُﻢۡ ﺳِﺨۡﺮِﻳًّﺎ ﺣَﺘَّﻰٰٓ ﺃَﻧﺴَﻮۡﻛُﻢۡ ﺫِﻛۡﺮِﻱ ﻭَﻛُﻨﺘُﻢ ﻣِّﻨۡﻬُﻢۡ ﺗَﻀۡﺤَﻜُﻮﻥَ ١١٠ ﺇِﻧِّﻲ ﺟَﺰَﻳۡﺘُﻬُﻢُ ﭐﻟۡﻴَﻮۡﻡَ ﺑِﻤَﺎ ﺻَﺒَﺮُﻭٓﺍْ ﺃَﻧَّﻬُﻢۡ ﻫُﻢُ ﭐﻟۡﻔَﺎٓﺋِﺰُﻭﻥَ ١١١ ﭼ

[المؤمنون/ ۱۰۹ – ۱۱۱] **بی‌گمـان گروهی از بنـدگـانم می‌گفتنـد: پروردگارا ! (ما) ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن، و تو بهترین رحم کنندگانی .پس شـــما آنها را به مســـخره گرفتید؛ تا یاد مرا فراموش تان کردند، و شما به آنها می خندیدید! همانا من امروز آنها را بخاطر صبری که کرده‌اند پاداش دادم، قطعاً آنها کامیاب هستند**».

ای مؤمنان صابر؛ شما – ان شاء الله– پیروز و کامیاب هستید.

سخن آخر

برادر و هم‌سفرم در مسیر خدایی:
ای مسلمان...ای بنده‌ی الله
ای کسی که سنگ و درخت تو را به‌زبان حال و یا زبان مقال – که به‌هر دوی آن ایمان داریم– خطاب قرار می‌دهند: ای مسلمان، ای بنده‌ی الله...
اشک‌هایت را پاک کن، سرت را بالا بگیر...
بدان که روزهایی که می‌آید برای تو است نه علیه تو..
و آینده از آن دین تو است نه از آن دین دیگران..
و فرجام و سرانجام از آن متقیان است..
و همراه با صبر، پیروزی می‌آید..
و همراه با دشواری و سختی، آسانی است..
و روشنایی سپیده‌دم نمی‌آید مگر بعد از تاریک‌ترین ساعات شب..
و مادامی که دین خدا را یاری می‌دهی خدا یاری‌ات می‌دهد...
و تا وقتی با او هستی او هم با تو است..
و تا زمانی که در راه او تلاش می‌کنی، او راه را برایت نشان می دهد..

﴿وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٦٩﴾ [العنکبوت: ٦٩] **و کسانی که در راه ما (کوشش و) جهاد کنند؛ قطعاً به راههای خویش هدایت شان می کنیم، و یقیناً خداوند با نیکوکاران است.**

﴿فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمۡۚ وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٤٤﴾ [غافر/٤٤] **پس به زودی آنچه را به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد، من کار خودم را به خدا واگذار می‌کنم، بی‌گمان خداوند (نسبت) به بندگان بیناست.**

سخن را به پایان می‌رسانم و از خدا برای همه‌ی شما پاداش نیکو می‌طلبم.